



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



هلند، جون ۲۰۲۶

عبدالقيوم ميرزاده

نسبت عدالت، آزادی و ثبات سیاسی در افغانستان

بجواب نظریات و برخی برداشتها درباره نوشته من تحت عنوان «مطالبات مدنی، نظم اجتماعی و الزامات ثبات سیاسی در افغانستان: یک بررسی جامعه‌شناسانه»

مطالبات مدنی و نظم اجتماعی

همانطوریکه در متن مقاله عنوان فوق تحریر داشته ام بحث و مذاقه درباره مطالبات مدنی، آزادی‌های عمومی و ثبات سیاسی از مهم‌ترین موضوعات علوم سیاسی و جامعه‌شناسی است که حین طرح مسایل و معضلات اجتماعی به هیچوجه نمی توان از آن دوری جست و کنار کشید. در جوامع همانند کشور ما افغانستان عزیز که طی حد اقل پنجاه سال اخیر با معضلات تباہ کن امنیتی، جنگ های داخلی، انقطابات و شکاف‌های بزرگ اجتماعی و تجربه‌های طولانی بی‌ثباتی تا سرحد نابودی کامل کشور مواجه بوده‌اند، این مباحث اهمیت دوچندان پیدا می‌کنند. از این منظر، نقدهایی که اخیراً بر مقاله «مطالبات مدنی، نظم اجتماعی و الزامات ثبات سیاسی در افغانستان» وارد شده است، فرصتی برایم فراهم می‌کند تا برخی مفاهیم بنیادین این عرصه به صورت دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

نخست به همه خوانندگان این سطور باید واضحاً روشن سازم که تأکید بر ثبات سیاسی و نظم اجتماعی به هیچ وجه به معنای انکار حقوق مدنی، آزادی بیان یا حق اعتراض نیست. در ادبیات علوم سیاسی، میان «حق اعتراض» و «شیوه و نحوه اعمال اعتراض» تفاوت بنیادین و آشکاری وجود دارد. تقریباً تمامی نظریه‌پردازان جامعه مدنی، از جان لاک گرفته تا یورگن هابرماس، حق مشارکت اتباع در عرصه عمومی را به رسمیت شناخته‌اند؛ اما همزمان بر ضرورت وجود اصول، قواعد، قوانین، نهادها، روال کار و میکانیزم های اداره را تأکید کرده‌اند که مانع تبدیل اختلافات سیاسی و اعتراضات مدنی به خشونت و هرجومرج شود.

منتقدان گاهی چنین القا می‌کنند که هرگونه سخن گفتن از نظم اجتماعی، به معنای دفاع از سرکوب است. این برداشت از نظر علمی قابل دفاع نیست. نظم اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین پیش‌شرط‌های حیات جمعی است. بدون وجود حدی از نظم و امنیت، نه آزادی‌های مدنی قابل تضمین است، نه فعالیت رسانه‌ها، نه کارکرد نهادهای آموزشی و نه امکان مشارکت سیاسی شهروندان. تجربه بسیاری از کشورهای درگیر جنگ‌های داخلی و تجربه کشور خود ما افغانستان بوضاحت برایما نشان داده است

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

که نخستین قربانی بی‌ثباتی، خود جامعه مدنی و حقوق شهروندان است و کشور ما قربانی هایی بیشماری را در این راه تحمل کرده است. در این زمینه نباید کوتاه نگر بود و قربانی های مردم را بیبازی گرفت.

از سوی دیگر، هیچ نظریه معتبر سیاسی و اجتماعی نیز خشونت نامحدود دولتی را توجیه نمی‌کند. البته که دولت‌ها موظف‌اند در برخورد با اعتراضات اجتماعی اصول تناسب، قانون‌مندی و مسئولیت‌پذیری را رعایت کنند. اگر در هر جامعه‌ای مواردی از برخورد غیرقانونی، استفاده نامتناسب از زور یا نقض حقوق افراد رخ دهد، این موضوع باید از طریق میکانیزم های حقوقی، رسانه‌ای و نظارتی مورد بررسی قرار گیرد. اما وجود احتمال تخلف یا خطای برخی مأموران و یا شاید هم اعتراضات تصنعی و دشمن پرداز نمایشی، اصل ضرورت حفظ نظم عمومی را زیر سؤال نمی‌برد؛ همان‌گونه که وقوع برخی جرایم، اصل ضرورت اجرای قانون را بی‌اعتبار نمی‌سازد.

یکی از ضعف‌های اساسی برخی نقدهای مطرح‌شده که همچنان بحث علمی را به شخصیت و وجدان مرتبط ساخته اند، ایجاد دوگانگی کاذب میان «عدالت» و «ثبات» است. گویی هر کس از ثبات سخن بگوید مخالف عدالت است و هر کس از عدالت سخن بگوید مخالف نظم اجتماعی. در حالی که در علوم سیاسی، این دو مفهوم نه متضاد، بلکه مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند. من این موضوع را در مقالات متعددی توضیح داده ام که عدالت بدون وجود نهادهای باثبات و حکومت قانون قابل تحقق نیست و ثبات پایدار نیز بدون برخورداری از حداقلی از مشروعیت و عدالت اجتماعی دوام نمی‌آورد.

همچنین باید توجه داشت که منافع ملی مفهومی فراتر از منافع گروهی، قومی، مذهبی، جنسیتی یا سیاسی است. منافع ملی زمانی تأمین می‌شود که امنیت عمومی، تمامیت اجتماعی، ثبات اقتصادی و همبستگی ملی حفظ گردد. هر تحلیلی که صرفاً از زاویه یک گروه اجتماعی یا یک رویداد خاص به مسائل کلان کشور بنگرد، ممکن است نتواند تمامی ابعاد موضوع را در نظر بگیرد. نگاه ملی و در نظر داشت منافع ملی اقتضا می‌کند که همزمان حقوق افراد، امنیت عمومی، انسجام اجتماعی و آینده سیاسی کشور مورد توجه قرار گیرد.

در مورد حوادث اخیر هرات که هنوز صحت و سقم بسیاری از نشرات تأیید و تثبیت نگردیده است، نیز باید میان اصل مطالبات اجتماعی و پیامدهای احتمالی امنیتی برخی اشکال اعتراض تمایز قائل شد. دفاع از حق بیان دیدگاه‌ها به معنای تأیید هر نوع روش اعتراضی نیست؛ همان‌گونه که دفاع از نظم عمومی نیز به معنای نادیده گرفتن حقوق اتباع نمی‌باشد. جامعه‌ای موفق خواهد بود که بتواند میان این دو ضرورت، یعنی آزادی مسئولانه و ثبات اجتماعی، توازن برقرار کند.

از دید جامعه‌شناسی، خطر اصلی زمانی پدید می‌آید که فضای عمومی به سمت قطبی‌سازی افراطی سوق داده شود؛ فضایی که در آن هر منتقد دولت «عامل آشوب» معرفی گردد و هر مدافع نظم اجتماعی نیز «حامی سرکوب» تلقی شود. چنین دوگانه‌سازی‌ها مانع گفت‌وگوی عقلانی و حل مسائل واقعی جامعه می‌شود. آنچه وطن ما افغانستان امروز بیش از هر چیز به آن نیاز دارد، گسترش فرهنگ گفت‌وگو، افزایش ظرفیت تحمل دیدگاه‌های متفاوت و تلاش برای حل اختلافات در چارچوب منافع ملی است.

در نهایت، تأکید بر ثبات سیاسی و امنیت عمومی نه انکار حقوق اتباع است و نه توجیه خشونت. همان‌گونه که دفاع از آزادی و عدالت نیز نباید به بی‌اعتنایی نسبت به نظم اجتماعی و منافع ملی بینجامد. توسعه پایدار زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که میان آزادی، عدالت، امنیت و ثبات نوعی توازن پایدار برقرار شود؛ توازنی که نه قربانیان را نادیده بگیرد و نه جامعه را به سوی بی‌ثباتی سوق دهد.